

اصل محرمانگی در زیست پزشکی از دیدگاه اسلام

شکوه احمدی** - پروین احمدی - علی مرادی جوشقان

** کارشناس ارشد اخلاق - وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی - معاونت تحقیقات و فناوری - دفتر توسعه و

هماهنگی اطلاع رسانی پزشکی - تلفن ۰۲۱۶۴۸۹۲۴۰۴ - ۰۹۱۲۷۹۸۱۱۶۴

Email: shahmadi@hbi.ir

چکیده:

یکی از قواعدی که در مناسبات پزشک با بیمار حائز اهمیت است رازداری است. افشاء سر عملی است که باعث آزار و سبک شدن دیگران می شود فلذا در شرع مقدس نهی شده است. نبی اکرم (ص) می فرماید: هنگامی که کسی به شما چیزی گفت و گذشت آن سخن امانت است. هدف از این مقاله اشاره به مبحث محرمانگی که اساسی ترین و شاید بدیهی ترین فضیلت اخلاقی یک پزشک است و در اسلام تاکید بسیاری بر آن شده است. این موضوع در جوامع مختلف مورد بحث و نقدهای زیادی قرار گرفته است و جا دارد در پژوهش های مختلف پزشکی از نظر اخلاق اسلامی نیز مورد بررسی قرار گیرد و به این قاعده به طور خاص تر توجه نماید و این فضیلت اخلاقی را به عنوان یک قاعده ای که می تواند استثنائی داشته باشد که موجب نقض آن می شود مورد بررسی قرار بدهیم. رازداری از اصول اخلاقی است که فراگیر و جهان شمول است و منافع فردی و اجتماعی بیمار را به دنبال دارد. لذا با هدف، بررسی و ارائه آیات و روایات بر این موضوع جهت تاکید بیشتر بر مبنای این فضیلت اخلاقی این بررسی انجام شده و به شکل این مستند ارائه گردیده است. انشاء الله که با ارائه نتایج این قبیل تحقیق ها قدمی در ارایه یک منشور جهانی اخلاق پزشک مسلمان برداشته باشیم. این پژوهش به روش کتابخانه ای انجام گرفته است. از نتایج این مقاله اشاره به تاکید اسلام بر مبحث محرمانگی و رازداری اسرار بیماران است و تاکید بر نیاز به اجرای جلسات هماندیشی پیرامون موارد نقض رازداری و وجود کمیته های اخلاق پزشکی و اسلامی و برگزاری شوراهای مشورتی از نتایج پیشنهادی این مقاله است.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی - محرمانگی - رازداری - اسلام

مقدمه:

خداوند مظهر رازداری است. تنها خدا است که مظهر ستار، غفار و رحمان است. چون خداوند نقائص بندگان را فاش نمی کند. (ستار العیوب) نقایص را برطرف می نماید (غفار الذنوب) و کمال ایجاد میکند (رحیم).^(۱) حفظ اسرار بیماران و خودداری از افشاء آن، پایه و اساس پزشکی را تشکیل می دهد. رازداری و افشاء سر به عنوان یک فضیلت و رذیله اخلاقی به طور مستقل است البته می توان آن را از شاخه های مسأله تجسس درباره اسرار دیگران به حساب آورد.

رازداری در لغت مربوط به اسراری است که فاش شدن آن سبب ضرر و زیان صاحب آن می شود. خواه مربوط به شخص خاصی باشد و یا مربوط به جامعه اسلامی باشد که صاحبان راز در واقع مردم هستند. رازداری از نظر سازمان بین المللی استانداردسازی (ایزو) اینگونه تعریف شده است: اطمینان از اینکه اطلاعات تنها برای کسانی که مجوز دسترسی به آن اطلاعات را دارند قابل دستیابی باشد. رازداری در پزشکی یک اصل است که به موجب آن پزشک مجبور می شود رازهای نگفتنی بیمار را که به خاطر حرفه اش به دست آورده نزد خود نگه دارد. در مباحث اخلاق پزشکی مبانی

۱- تابعی سید ضیاء الدین (۱۳۷۴)؛ طبیبانه ای برای طبیبان، بخش ششم: نکاتی درباره راز و رازداری، شیراز، صفحه ۱۱۵

و اساس راز داری در پزشکی احترام به استقلال و حرمت فرد با دادن حق و کنترل و مدیریت اطلاعات به وی و عدم آسیب رسانی به فرد می باشد.

هدف :

رازداری اساسی ترین و شاید بدیهی ترین فضیلت اخلاقی یک پزشک است که در اسلام تاکید بسیاری بر آن شده است. این موضوع در جوامع مختلف مورد بحث و نقدهای زیادی قرار گرفته است و جا دارد در پژوهش های مختلف پزشکی از نظر اخلاق اسلامی نیز مورد بررسی قرار گیرد و به این قاعده به طور خاص تر توجه نماید و این فضیلت اخلاقی را به عنوان یک قاعده ای که می تواند استثنائی داشته باشد که موجب نقض آن می شود مورد بررسی قرار بدهیم. رازداری از اصول اخلاقی است که فراگیر و جهان شمول است و منافع فردی و اجتماعی بیمار را به دنبال دارد. لذا با هدف، بررسی و ارائه آیات و روایات بر این موضوع جهت تاکید بیشتر بر مبنای این فضیلت اخلاقی این بررسی انجام شده و به شکل این مستند ارائه گردیده است. انشالله که با ارائه نتایج این قبیل تحقیق ها قدمی در ارایه یک منشور جهانی اخلاق پزشک مسلمان برداشته باشیم

روش تحقیق:

این پژوهش به شیوه کتابخانه ای انجام گرفته است و از کتب و مقالات مختلف چاپی و الکترونیک مربوط به موضوع، نظرات نویسندگان به صورت تفصیلی فیش برداری شده و سپس تنظیم مطالب انجام شده است.

بحث و بررسی :

رازداری در قرآن

در آیات قرآن مجید، چیزی که صریحاً دلالت بر لزوم رازداری و زشتی افشاء سرّ باشد نیافتیم، البته تعبیر به سرّ در قرآن مجید فراوان است. در آیات قرآن تعبیرات دیگری دیده می شود که نه به دلالت التزامی از فضیلت رازداری و زشتی افشاء سرّ خبر می دهد، از جمله:

در قرآن می خوانیم: « أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ » (آ) آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می شوید، در حالی که هنوز آنها که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند (از دیگران) مشخص نشده اند (باید آزمون شوید و صفوف از هم جدا شود) و خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است.»

این آیه می گوید مسلمانان اسرار خود را به کسانی بگویند که مطمئن به حفظ آن باشند نه به افراد نامطمئنی که افشاء سرّ می کنند. مفهوم این سخن آن است که رازداری فضیلت است، و افشاء سرّ از رذائل محسوب می شود.

در این آیه نیز می خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم لایأونکم خبالاً؛ ای کسانی که ایمان آورده اید محرم اسراری از غیر خودتان انتخاب نکنید، آنها از هرگونه شرّ و فسادی درباره شما کوتاهی نمی کنند.» (۳)

بطانه تقریباً مفهومی همانند ولیجه دارد، و هر دو به معنی محرم اسرار است. و این که خداوند همه مؤمنان را مخاطب ساخته و می گوید غیر مسلمانان (مخلص و مؤمن) را محرم سرّ خود ندانید، در واقع اشاره ای به لزوم حفظ اسرار و نكوهش از افشاء سرّ دارد.

گاه تصور می شود که این آیه قرآن (وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ إِذَا عَوَّاهِ) (۴) خداوند از منافقان، یا بعضی از افراد ضعیف الایمان نکوهش می کند که آنها هنگامی که سخنی درباره پیروزی یا شکست گروهی از مسلمین به آنها می رسد زود آن را پخش می کنند.

ولی ذیل آیه نشان می دهد که این آیه ناظر به پخش شایعات بی اساس یا مشکوک است نه پخش اسرار، چون می فرماید: اگر آنها به پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اولی الامر (بزرگانی که قدرت تشخیص کافی دارند) مراجعه کنند از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد (و بیهوده دست به پخش شایعات نمی زنند).

تعبیر به امن و خوف که در آیه آمده اشاره به این است گاهی به دشمن شایعاتی مربوط به پیروزی مسلمین منتشر می کرد تا آنها را در امر جهاد سست کند، و گاه شایعاتی درباره شکست آنها، تا آنان را مأیوس سازد، قرآن مسلمانان را از پخش این گونه شایعات برحذر می دارد که مبادا نقشه دشمن اثر کند و آنها به مقصود خود که تضعیف مسلمین است نائل شوند.

مورد دیگری که در قرآن مجید به صورت خاص درباره رازداری (البته با اشاره نه با تصریح) آمده است، در داستان ابو لبابه است که بنی قریظه (گروهی از یهود که از هیچ گونه کارشکنی و خیانت درباره مسلمین فرو گذار نمی کردند) با او مشورت کردند که آیا تسلیم حکم پیامبر (صلی الله علیه وآله) شوند، او با اشاره گفت، اگر تسلیم شوید همه شما را اعدام خواهد کرد، سپس از این گفته خود

۳ سوره آل عمران، آیه ۱۱۸

۴ سوره نساء، آیه ۸۳

پشیمان شد و توبه کرد و روزهای متوالی خود را به ستون مسجد بست و مشغول توبه و گریه زاری بود سرانجام خداوند توبه او را پذیرفت و این آیه از قرآن در پذیرش توبه او نازل گردید. «وَ آخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و گروهی دیگر به گناهان خود اعتراف کردند و اعمال صالح و ناصالحی را به هم آمیختند، امید می رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد، خدا غفور رحیم است.»^(۵)

تعبیر به «گروهی» اشاره به این است که محتوای آیه مخصوص به فرد خاصی نیست بلکه تمام کسانی که گناهی می کنند و در صدد جبران بر می آیند و در توبه خود خالص و صادقند را شامل می شود.

این تقریباً مجموعه اشاراتی بود که در آیات قرآن نسبت به رازداری و افشای سر آمده است.

رازداری در روایات اسلامی

در احادیث اسلامی درباره رازداری و ترک افشای سر تعبیرات گوناگونی دیده می شود که نشان دهنده اهتمام اسلام به این موضوع است تا آنجا که اسرار دیگران به منزله امانتهای آنها شمرده شده و افشای سر به عنوان خیانت در امانت است.

۱- در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ الْحَدِيثَ ثُمَّ انْتَفَتَ فَهِيَ أَمَانَةٌ؛ هنگامی که شخصی سخنی با دیگری می گوید سپس به اطراف خود نگاه می کند (که دیگری آن را

نشنود) آن بمنزله امانت است (و افشاء این سر همچون خیانت در امانت است).^(۶)

۲- در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: «مَنْ أَفْشَى سِرًّا اسْتَوْدَعَهُ فَقَدْ خَانَ؛ هر کس سری را که به او سپرده شده فاش کند خیانت کرده است.»^(۷)

۳- در حدیث دیگری از همان حضرت می خوانیم: «مَنْ كَشَفَ حِجَابَ أَخِيهِ انْكَشَفَ حِجَابَ بَيْتِهِ؛ کسی که پرده از روی اسرار برادر مسلمانش بردارد خداوند عیوب اسرار او را بر ملا می کند.»^(۸)

^۵ سوره توبه، آیه ۱۰۲
^۶ فیض کاشانی محمدبن شاه مرتضی (۱۳۸۴)؛ المحجّه البیضاء فی تذهیب الاحیاء، نشر: حسنین، جلد ۵، صفحه ۲۳۷
^۷ سبزواری هادی بن مهدی (۱۳۸۶)؛ شرح غرر الفرائد المنظومه فی الحکمه، تهران: انتشارات بیدار، جلد ۵، صفحه ۲۶۸، حدیث ۸۲۹۵

۴- در حدیث دیگری از امیرمؤمنان (علیه السلام) می خوانیم: «جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَ مُصَادِقَةِ الْأَخْيَارِ وَ جَمِيعِ الشَّرِّ فِي الْأَذَاعَةِ وَ مُوَاخَاةِ الْأَشْرَارِ؛ تمام خیر دنیا و آخرت در دو چیز جمع شده؛ در رازداری و دوستی با نیکان و تمام بدی ها در دو چیز جمع است افشای سرّ و دوستی با بدان».^(۸)

البته کتمان سر ممکن است اشاره به کتمان سرّ خویشتن باشد ولی اطلاق حدیث شامل کتمان اسرار خویش و دیگران هر دو می شود.

۵- در حدیث دیگری می خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مواعظ خویش به ابوذر چنین فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ، وَ إِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ؛ جلسات خصوصی امانت است، و افشای سرّ برادر مؤمن خیانت می باشد، از آن بپرهیز».^(۹)

۶- در حدیثی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم: «سِرُّكَ سُرُورُكَ إِنْ كَتَمْتَهُ وَإِنْ أَدَعَيْتَهُ كَانَ تُبُورُكَ؛ سرّ تو مایه سرور و خوشحالی تو است به شرط آن که آن را کتمان کنی، و اگر آن را افشا کنی (ای بسا) مایه هلاک تو می شود».^(۱۰)

۷- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «لَا تَطْلُعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَالٍ أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ عَدُوَّكَ لَمْ يَضُرْكَ، فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا مَا؛ دوستت را بر آن مقدار از اسرار آگاه ساز، که اگر دشمنت را از آن آگاه سازی به تو زیانی نرسد، چرا که دوست ممکن است روزی دشمن شود».^(۱۱)

۸- در حدیثی از حضرت رضا (علیه السلام) نقل شده است که ایشان می فرمایند:

«مؤمن هرگز مؤمن راستین نخواهد بود مگر آنکه سه خصلت داشته باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبر و سنتی از ولی خدا. آنگاه حضرت امام رضا (ع) سنت الهی را کتمان اسرار مردم و رازداری می شمارند و می فرمایند: «و اما السننه من ربه کتمان سره»^(۱۲)

^۸ سبزواری هادی بن مهدی (۱۳۸۶)؛ شرح غرر الفرائد المنظومه فی الحکمه، تهران: انتشارات بیدار، جلد ۵، صفحه ۳۷۱، حدیث ۸۸۰۲

^۹ حکیم احمد (۱۳۸۱)؛ خلاصه الاسرار من بحار الانوار، انتشارات ذوی القربی، جلد ۷۱، صفحه ۱۷۸، حدیث ۱۷

^{۱۰} حکیم احمد (۱۳۸۱)؛ خلاصه الاسرار من بحار الانوار، انتشارات ذوی القربی، جلد ۷۴، صفحه ۸۹

^{۱۱} قاضی ناصح الدین ابو الفتح عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۴، صفحه ۱۴۱، حدیث ۵۶۱۶

^{۱۲} محمدی ری شهری محمد؛ گزیده میزان الحکمه، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱۳۸۵، صفحه ۴۲۷، حدیث ۸۴۱۹

در روایت دیگر حدیث قدسی است که خداوند خطاب به انسان می‌فرماید آیا می‌خواهی با فرشتگان هم پرواز شوی؟ پس بر تو باد پنج خصلت و در یکی از این خصلت‌ها می‌فرماید «و فی السر کاللیل» و در رازداری و پرده پوشی همچون شب باش.^(۱۴)

و باز در جای دیگر از امام صادق روایت شده است که آن حضرت می‌فرمود مردم به دو خصلت بنیادین و سرنوشت ساز امر شده‌اند ولی آن دو را ضایع کردند و بدین جهت از اعتبار لازم برخوردار نیستند، یکی شکیبائی و مقاومت و دیگری کتمان اسرار مردم و رازداری است.^(۱۵)

نتیجه گیری :

رازداری از انتظار بیمار در مقابل اعتماد به پزشکی بر می‌خیزد و رازداری علاوه بر اینکه یک عمل ارزشمند اخلاقی است ، اقرار به اتونومی و حفظ حرمت فردی بوده و نیز به علت ایجاد اعتماد متقابل ، نتایج مطلوبتر را در امر تشخیص و درمان بیمار به همراه خواهد داشت . رازداری پزشک اطمینان لازم را در بیمار جهت بیان تمام نکات و اسرار مربوط به بیماری ایجاد می کند که این امر گام مفیدی در درمان و تشخیص موثر تر می باشد . در زمینه قاعده رازداری چندین مقاله به اهمیت و نقش آن در اخلاق طب پرداخته شده است. هم چنین پرداختن به موارد نقض رازداری از حیث اخلاقی و قانونی و بررسی این موضوع به شکل خاص در ایران ، در کشورهای اسلامی و منطقه و در حوزه جهانی از پیشنهادات این مقاله است . نیاز به اجرای جلسات هماندیشی پیرامون موارد نقض رازداری و وجود کمیته های اخلاق پزشکی و اسلامی و برگزاری شوراهای مشورتی از نتایج این بررسی است .

سپاسگزاری:

لازم می دانیم در انتهای مقاله از اساتید محترم این حوزه ، افراد و کارکنان کتابخانه هایی که ما را در تهیه این مقاله یاری کردند تشکر نماییم.

۱۳ محمدی ری شهری محمد (۱۳۸۵) ؛ گزیده میزان الحکمه ، قم : انتشارات دار الحدیث ، صفحه ۴۲۶

۱۴ مقدادی علی (۱۳۷۷) ؛ نشان از بی‌نشان‌ها، تهران: انتشارات جمهوری ، صفحه ۴۶
۱۵ ملاصدرا ، محمدبن ابراهیم شیرازی ملقب به صدرالدین (۱۳۶۷) ؛ اصول کافی ، جلد دوم ، صفحه ۲۲۲

مراجع :

۱. قرآن مجید
 ۲. تابعی سید ضیاء الدین (۱۳۷۴)؛ *طبیحانه ای برای طبیبان*، بخش ششم: نکاتی درباره راز و رازداری، شیراز
 ۳. حکیم احمد (۱۳۸۱)؛ *خلاصه الاسرار من بحار الانوار*، انتشارات ذوی القربی، جلد ۷۱
 ۴. سبزواری هادی بن مهدی (۱۳۸۶)؛ *شرح غرر الفرائد المنظومه فی الحکمه*، تهران: انتشارات بیدار، جلد ۵
 ۵. فیض کاشانی محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۴)؛ *المحجّه البیضاء فی تذهیب الاحیاء*، نشر: حسنین، جلد ۵
 ۶. قاضی ناصح الدین ابو الفتح عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، *غرر الحکم و درر الکلم*، جلد ۴
 ۷. محمدی ری شهری محمد؛ *گزیده میزان الحکمه*، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱۳۸۵
 ۸. مقدادی علی (۱۳۷۷)؛ *نشان از بی نشانها*، تهران: انتشارات جمهوری
 ۹. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم شیرازی ملقب به صدرالدین (۱۳۶۷)؛ *اصول کافی*، جلد دوم
-